

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنګ راد

۱۰/۰۸/۲۳

نگاه چپ از اتحاد (*)

نزدیک به یکقرن از زمان پیدایش جنبش کمونیستی، مسأله اتحاد همچنان به عنوان معضل در مقابل نیروهای مارکسیست – لنینیست قرار دارد. در طول این ۱۰۰ سال، جنبش کمونیستی هرگز در پروسه مبارزات قادر نبوده است تا در مقابل نیاز فوری جنبش توده‌نی، به طور اساسی پاسخی مثبت دهد و سعی نماید تا با یکپارچگی هر چه بیشتر در مقابل طبقات حاکم و بورژوازی، وارد عمل هر چه گسترده‌تر گردد. در عوض در آن‌سوی قضیه، دولت‌ها و سرمایه‌داران با هر درجه‌ای از اختلاف، متحدانه برای تأمین و تداوم منافع خویش به سرکوب مبارزات توده‌ها و کمونیست‌ها همت گماشته و می‌گذارند. در این چارچوب مدتی است موضوع اتحاد از سوی سازمان‌های مارکسیست – لنینیست ایرانی، مجدداً با داغی بیشتر از گذشته طرح گردیده و این نیروها دائماً برای غلبه بر پراکندگی موجود راه‌های حل ارائه می‌دهند؛ راه‌های حلی که نه تنها مشکل‌کشی واقعیت کنونی نبوده و نمی‌باشد بلکه با آغشته بودن به تله‌های مشعشعانه بر ابعاد معضل پراکندگی می‌افزایند. آن‌چه می‌توان از بطن طرح‌های ارائه شده از سوی سازمان‌های م – ل استنباط نمود این است که این سازمان‌ها بناء بر منافع طبقاتی‌شان و بناء بر عدم اعتقاد عمیق‌شان به مسأله فوق، نه تنها در جهت رفع معضل اتحاد گام بر نداشته بلکه در صدد توجیه بی‌عملی‌شان در این رابطه می‌باشند. این رفتار و ارائه راه‌های حل غیر واقعی از سوی سازمان‌های سیاسی به منظور دستیابی به اتحاد در شرایط فعلی نشان دهنده واقعیات امروزی و عدم ارتباط آنان با جنبش می‌باشد.

این امری مسلم است که بی‌عملی و فقدان ارتباط از ضریب و پتانسیل مبارزاتی سازمان‌ها کاسته و می‌رود در تاریخ مبارزات کنونی جنبش ایران، سازمان‌های مدعی مارکسیست – لنینیست را در ذهن توده‌ها به ورطه فراموشی بسپارد. جنبش چپ در چنین دورانی قرار دارد؛ دوران بی‌افقی و دوران پایان این مرحله. یکی از عوامل مهم را باید در عدم حضور سازمان‌های م – ل در صحن اجتماع بر شمرد. در پرتو چنین شرایطی است که امروزه تفرقه‌های بی‌شماری از سوی سازمان‌های م – ل به منظور اتحاد صورت می‌گیرد که در واقع تلاش برای اثبات وجود خویش می‌باشد تا گسترش و صیقل بخشیدن به مبارزات توده‌ها.

اگر بخواهیم بی‌غرضانه و منصفانه به وضعیت چپ طی دو دهه اخیر بنگریم به این واقعیات و نتایج اسفبار دست خواهیم یافت که نیروهای م – ل در این دوران در بدترین شرایط ممکن از حیات جنبش کمونیستی به سر می‌برند. یعنی در یک کلام جنبش در تبعید و بدون حداقل ارتباط و بی‌عمل. جنبش بدون ارتباط قادر به ارائه راه‌های حل اصولی و بن‌بست شکنانه نمی‌باشد. راه‌های حل تاکتونی نشان داده‌اند که قادر به نجات جنبش چپ از این محاصره نخواهند بود. با ادامه این روند، نیروها همانند اسب عساری به دور خود چرخیده و با شتابی هر چه بیشتر به وضع موجود تداوم می‌بخشند. این تاکتیکی است که نیروهای م – ل در دو دهه اتخاذ نموده‌اند.

سال‌هاست که نیروهای چپ بعد از یورش وحشیانه رژیم به بیرون از جامعه پرتاب شده و به روز موعود چشم دوخته و منتظر آن روزهای "طلایی" می‌باشند. جنبشی که می‌بایست افق‌های سیاسی و چشم‌اندازهای مبارزاتی را با پراتیک قهر و انقلابی‌اش تصویر کند و توده‌های به عصیان آمده را حول خود متشکل سازد، به نظاره‌گر مبارزات آنان تبدیل گشته است. این جنبش – جنبش کمونیستی – جنبش تاثیرگذار، دخالت‌گر، هدایت کننده و ایثارگر نیست. خصیصه اساسی مبارزه کنونی جنبش کمونیستی به مبارزه افشاءگرانه تکراری علیه رژیم جمهوری اسلامی و آن‌هم در عرصه جامعه غیر خودی تبدیل گشته است. اگر در دوران رژیم شاهنشاهی، هزاران و حتی میلیون‌ها انسان در حمایت از نیروهای م – ل به خیابان‌ها ریخته و راه نجات خود را در تحقق ایده‌های نوین کمونیستی آنان می‌دیدند، در شرایط فعلی به دلیل فقدان حضور این نیروها در صحنه اجتماع، حول شعارها و سازمان‌های بورژوا – رفرمیستی و جناح‌های حکومتی متشکل گشته‌اند. چنین وضعیتی برای جنبش چپ تأسفبار است؛ چرا که بعد از آن‌همه اندوخته مبارزاتی در جایی قرار گرفته است که هیچ نقشی در روند و ارتقاء مبارزه کنونی ندارد. نیروهای بسیج شونده اساساً در میدانی به غیر از میدان فعلی، یعنی میدان انتخاب شده توسط نیروهای م – ل می‌باشند. دست و پا زدن در محیط‌های غیر خودی مبارزاتی نه تنها آماده ساز اتحاد فیمابین نیروهای م – ل نخواهد بود بلکه بر مشکلات و معضلات آنان می‌افزاید.

مروری گذار به حیات سیاسی نیروها در دو دهه اخیر این واقعیت را هر چه بیشتر عریان می‌سازد که روش‌های انتخابی کهنه شده آنان، به منظور دستیابی به اتحاد کار ساز نبوده و نیست. نمونه‌های فراوانی در اثبات این قضیه وجود دارد که هدف نیروهای متشکل شده حول شعار اتحاد، خلاف ادعاهای شان گسترش هر چه بیشتر مبارزه علیه جمهوری اسلامی نبوده بلکه شلیک بدون هدف است. چگونه می‌توان بدون درگیر شدن در یک مبارزه حاد طبقاتی و دخالت‌گر، راه‌های حل عملی و اصولی به منظور رفع بن‌بست چندین ساله را ارائه داد؟ در راستای چنین شرایطی است که بخش‌هایی از چپ ایران هر از چند گاهی با طرح شعارهای دهان پر کن به منظور گسترش مبارزه علیه جمهوری اسلامی نغمه اتحاد را سر داده و دیگران را به گرد آمدن حول سیاست‌های غیر واقعی خویش فرا می‌خوانند، بدون این‌که روش‌های قبلی را به طور علمی مورد نقد قرار دهند.

اتحاد چپ کارگری، بلوک چپ انقلابی، اتحاد رسانه‌ای و ... همه و همه خوراک تبلیغاتی سازمان‌های تشکیل دهنده آن‌ها تبدیل گشته است. وارد شدن در چنین روندی که آینده‌ای نامعلوم و تاریک را به نمایش می‌گذارد به انحراف کشاندن مبارزات و توهم‌زائی‌ست. ورود در چنین پروسه‌ای نه تنها نقش تاثیرگذاری را ایفاء نخواهد نکرد بلکه به مفهوم رقصیدن به ساز ناهمگون آنان می‌باشد. اتحاد واقعی نیروهای چپ نه در عرصه مبارزه خارج از کشور بلکه در صحن جامعه ایران عملی خواهد بود. مبارزات نیروها در خارج از کشور، مبارزه افشاءگرانه علیه رژیم می‌باشد. مبارزه در داخل به طور همه‌گیر و خشن و در ابعادی به مراتب رادیکال‌تر و تعرضی ادامه داشته و دارد و توده‌ها هر روزه با پوست و گوشت‌شان ماهیت واقعی جناح‌های درونی رژیم را درک نموده‌اند.

جنبش انقلابی در شرایط کنونی محتاج پاسخ عملی است. چپ متعهد و انقلابی باید به نیاز توده‌ها پاسخ دهد نه بر تمایلات درونی‌اش. اگر قصد و منظور چپ این است که با اتحاد می‌خواهد مبارزات توده‌ها را علیه رژیم جمهوری اسلامی گسترش دهد، باید خطر کند؛ باید خود در صف مقدم مبارزه قرار گیرد؛ باید از درون جنبش خویش راه‌های حل واقعی که همانا پاسخ به کسب قدرت سیاسی است، دهد. جنبش کمونیستی تنها در پرتو قهر انقلابی است که می‌تواند رسالت تاریخی‌اش را ایفاء نماید و چپ شکننده و بحران‌زا را در شرایط کنونی نجات دهد. جنبش چپ انقلابی باید ابتکار عمل را از دست دشمنان خلق گرفته و مبارزات توده‌ها را در جهت صحیح کانالیزه نماید. نیروهای م – ل باید سیاست صبر و انتظار را کنار گذاشته و سیاست تعرض را پیشه خود سازند.

اتخاذ چنین سیاستی است که جنبش کمونیستی را از مخرجه فعلی نجات خواهد داد. با وارد شدن در چنین عرصه‌هایی از مبارزه است که مسئله اتحاد عمل واقعی، جدی و با افق در دستور کار انقلابیون قرار خواهد گرفت. این آن رسالتی است که جنبش کمونیستی باید بنیاناً برای تحقق آن تلاش ورزد. حال در اینجا این سؤال حساس مطرح می‌باشد که آیا علی‌رغم در غلتیدن نیروهای م – ل به چنین وضعیتی باید دست روی دست گذاشت و هیچ‌گونه اقدام عملی انجام نداد؟ چرا. در درجه اول نیروهای م – ل باید به این درجه از آگاهی و شناخت برسند که اتخاذ همان روش‌های کهنه و بی سر انجام برای حل معضل اتحاد مشکل‌کشا نبوده و مبارزات توده‌ها را گسترش نخواهد بخشید، در ثانی باید بدانند که هر بار این‌گونه اتحادها به شکست انجامیده نیروهای بی‌شماری را به ورطه یأس و ناامیدی سوق داده است. پذیرش چنین واقعیاتی دال بر رد اتحادهای موردی نیست بلکه چشم‌انداز و توقعات باید روشن گردد. وظیفه یک عنصر آگاه و نیروی مبارز این است که از محیط خویش حداکثر استفاده مبارزاتی را نموده و در جهت ارتقاء و تغییر آن تلاش ورزد. درک موقعیت و شرایط یکی از ملزومات اساسی برای مبارزه آتی است. نباید متوهم بود و چشم‌اندازهای کاذب را در صفوف نیروهای جنبش به وجود آورد. وظیفه یک سازمان متعهد و انقلابی این است که خط فاصل خود را به طور عملی با ایده‌های انحرافی کشیده و ائتلاف انرژی ننماید.

تجربه تاکتونی نشان داده است که به دلیل موقعیت فعلی و کمیت نیروی خودی و تمایلات درونی سازمان‌ها نتوانستیم مسیر تاکتونی این‌گونه اتحادها را تغییر دهیم. باید سعی نماییم که در حد توان‌مان در جهت اتحادهای موردی بین سازمان‌ها و تشکلات مختلف موجود که به بیرون کشیدن نیروی بیشتری در عرصه عمل منجر می‌گردد تلاش ورزیم. باید بدانیم که مبارزات توده‌ها در خارج از کشور نقش باز دارنده‌ای در مقابل سیاست‌های ارتجاعی رژیم ایفاء ننموده و بدون حیات سازمان‌های مادر در جبهه داخل و درگیر شدن مستقیم با نیروهای رژیم، ارتقاء بخشیدن به مبارزات توده‌ها غیر ممکن می‌باشد و اتحاد عمل‌های نیروهای خارج از کشور نیز پایدار نخواهد بود؛ چرا که با اولین انفجار و خیزش همگانی در داخل، این اتحادها از درون می‌پاشد. پایداری اتحاد نیروهای م – ل مستلزم تحرک و ارتباط آنان با توده‌ها می‌باشد.

(*) لازم به توضیح است که این نوشته در شهریور ۸۱ و در بحث‌های درونی و در حول و حوش اتحاد نگاشته شده است. از آنجا که بحث اتحاد همواره مشغله‌های فکری - عملی جنبش چپ و نیروهای متشکل آنرا تشکیل می‌دهد و از آنجا که ایده‌های اساسی مطروح در این نوشته همچنان به قوت خود باقی است، بی‌مناسبت نیست تا از درون به بیرون انتقال یابد.